

این درسنامه، شامل سوالات متن، بخوانیم و بدانیم و پاسخ فعالیت‌های درس هشتم کتاب جامعه‌شناسی ۳ است. دشواری زبانی و مفهومی کتاب و آزمون هماهنگ کشوری، هدف نگارش این درسنامه می‌باشد. با انتشار این فایل، زمینه دسترسی رایگان دانش‌آموزان علوم انسانی مناطق مختلف کشور را به این محتوای آموزشی فراهم نمایم. مبنای طرح سوالات، کتاب چاپ ۱۳۹۸ است. توضیح صفحات ۹۱-۸۹ در پایان درسنامه قرار دارد.

درس هشتم: سیاست هویت

بهمن ۱۳۹۸

نگارش: مژده قربانعلی زاده

گروه علوم اجتماعی گیلان

مقدمه

.....صفحه ۸۲.....

- ۱- نخستین سند رسمی هویت چیست؟ شناسنامه
- ۲- تاجیک‌ها، عرب‌ها و انگلیسی‌زبان‌ها «شناسنامه» را چه می‌نامند؟
تاجیک‌ها: زادنامه عرب‌ها: هویت انگلیسی‌زبان‌ها: سند هویت
- ۳- نشان و عبارت جمهوری اسلامی بر روی جلد شناسنامه افراد به چه معناست؟
یعنی صاحب شناسنامه، تبعه جمهوری اسلامی ایران است؛ تبعه دولتی با نظام سیاسی «جمهوری» بر بنیاد «اسلامی» و در قلمرو سرزمینی به نام «ایران».
- نکته: جمهوری اسلامی بیان حاکمیت اراده مردم بر اساس آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی است.
- ۴- آیا مردم ایران دارای حقوق و مسئولیت‌های برابر هستند؟ توضیح دهید.
همه مردم ایران از هر قوم و مذهبی دارای حقوق و مسئولیت‌های برابرند؛ همه شناسنامه‌ای یک رنگ، یک شکل و یک اندازه دارند، و بنابراین همه، اعم از زن و مرد، خردسال و بزرگسال، فقیر و غنی، بی‌سواد و باسواد، در هویت ملی مشترک‌اند و می‌توانند هم‌آوا با فردوسی بگویند «همه جای ایران سرای من است». همچنین موظف‌اند از کشور ایران پاسداری کنند و برای استقلال، آزادی و آبادی آن بکوشند.
- ۵- هنگامی که فردوسی می‌گوید «همه جای ایران سرای من است» به کدام مفهوم اشاره دارد؟ هویت ملی مشترک
- ۶- عبارت «شناسنامه سند هویت شماست، برای حفظ حقوق خود به دقت از آن نگهداری کنید» به چه معناست؟
نشان می‌دهد دولت، هویت فرد ایرانیان و حقوق و مسئولیت آنها را به رسمیت می‌شناسد.
- ۷- عبارت «هرگونه تغییر و تحریف در شناسنامه یا سوء استفاده از آن جرم است و مجرم تحت تعقیب قانونی قرار می‌گیرد» به چه معناست؟
یعنی نمی‌توان خودسرانه و به دلخواه خویش در این سند هویت دست برد و آن را تغییر داد.
- ۸- جنبه اختصاصی سند هویت فرد در شناسنامه چیست؟ شماره ملی ده رقمی

.....صفحه ۸۳.....

- ۹- عکس فرد در شناسنامه کدام ابعاد هویتی را می‌تواند آشکار می‌کند؟
هویت جنسی، خانوادگی، سنی، نژادی و فرهنگی فرد را می‌تواند آشکار کند.

تنازع هویت‌ها: وحدت یا کثرت هویت‌ها

- ۱۰- با ظهور جهان متجدد، دولت‌ها، هویت خود را بر چه مبنایی تعریف می‌کردند؟

با ظهور جهان متجدد، دولت‌هایی شکل گرفتند که دیگر خود را با هویت دینی مسیحی نمی‌شناختند بلکه هویت خود را با توجه به تاریخ، جغرافیا، قومیت یا نژادشان تعریف می‌کردند.

۱۱- مشخصه اصلی هویت پس از ظهور جهان متجدد چه بود؟ ملی‌گرایی و وطن‌دوستی

۱۲- چگونه اندیشه «ناسیونالیسم» در جهان متجدد پیدا شد؟ با شکل‌گیری دولت-ملت‌ها

۱۳- با شکل‌گیری دولت-ملت‌ها، پیدا شد و هویت از منظر دولت-ملت‌ها و توسط آن‌ها تعریف شد. ناسیونالیسم

۱۴- در جهان متجدد، هویت از کدام منظر و توسط چه کسانی تعریف می‌شد؟ دولت - ملت‌ها

۱۵- چرا دولت‌ها غربی‌ناگزیر از سیاست‌گذاری هویتی بودند؟

با شکل‌گیری دولت-ملت‌ها، ناسیونالیسم پیدا شد و هویت از منظر دولت-ملت‌ها و توسط آنها تعریف شد اما بیشتر کشورها دارای تنوع قومی، نژادی، زبانی و مذهبی و... بودند. در این کشورها، گروه‌های مختلف می‌بایست در کنار هم زندگی می‌کردند. دولت‌ها در این کشورها برای تعیین هویت ملی و چگونگی توزیع مزایا و فرصت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی میان اقوام و گروه‌های مختلف و همچنین پاسخ‌گویی به درخواست‌ها و رفع نیازهای آنها، ناگزیر از سیاست‌گذاری هویتی بودند.

..... صفحه ۸۴.....

۱۶- مدل رایج سیاست‌گذاری هویتی در دوره مدرن چیست؟ همانندسازی

۱۷- مدل «همانندسازی» چیست؟

همانندسازی به معنای پذیرش ارزش‌ها و سبک زندگی یک گروه توسط سایر گروه‌های جامعه بود؛ به گونه‌ای که همه گروه‌ها همسان شوند. به عبارت دیگر، همانندسازی سیاستی بود که دولت‌ها برای از بین بردن تفاوت‌های هویتی گروه‌های مختلف و یکسان‌سازی آنها در پیش گرفتند.

بخوانیم و بدانیم صفحه ۸۴

۱۸- روش‌های خشونت‌آمیز همانندسازی را نام ببرید.

نسل‌کشی، جا به جایی اجباری، کنترل جمعیت، جداسازی و فشارهای سخت اجتماعی

۱۹- اساس روش‌های خشونت‌آمیز همانندسازی چیست؟

نفی و طرد دیگری متفاوت است.

۲۰- در روش‌های خشونت‌آمیز همانندسازی، مفهوم «دیگری» چگونه تعریف می‌شود؟

در نسل‌کشی، دیگری، شری است که باید نابود شود اما در سایر روش‌ها، دیگری اگرچه شر دانسته می‌شود، امکان اصلاح او وجود دارد و با اعمال فشار می‌توان او را به پذیرش الگوهای هویتی جدید مجبور ساخت یا از بقیه جدا کرد.

۲۱- منظور از روش «جداسازی» در مدل همانندسازی چیست؟

در جداسازی، گروه مسلط گروه‌های نژادی، قومی، مذهبی دیگر را به زیستن در مناطقی جدا از محل سکونت گروه مسلط، مجبور می‌کند. همچنین، آنها را از تسهیلات و خدماتی مانند آموزش، بهداشت و درمان محروم می‌سازد یا این خدمات را با کیفیت بسیار پایین تری در اختیار آنها می‌گذارد.

۲۲- «دیگچه همانندسازی» را توضیح دهید.

همانندسازی همیشه به صورت یک سویه و سخت و خشن انجام نمی‌شود بلکه تفاوت‌ها و تمایزات قومی، نژادی و... می‌توانند از راه دیگری که برخی از جامعه‌شناسان آن را دیگچه همانندسازی می‌نامند، ناپدید شوند که در آن تعداد کثیری از گروه‌های درگیر قومی نژادی در ارتباط با هم یک فرهنگ مختلط می‌سازند.

➤ توضیح خارج از کتاب: دیگچه همانند سازی را شبیه کوره ذوب فلزات تصور کنید. همه قومیت‌ها و نژادها (مانند فلزات مختلف کوره ذوب) در هم ادغام می‌شوند و یک فرهنگ جدید ساخته می‌شود که ترکیبی از فرهنگ‌های مختلف است.

۲۳- یک روش غیرخشونت‌آمیز در همانند سازی نام ببرید. دیگچه همانندسازی

.....صفحه ۸۵.....

۲۴- در دوره پسامدرن، با سیاست «همانند سازی هویت‌ها» چگونه برخورد شد؟

در دوره پسامدرن، همه آنچه در دوره مدرن پدید آمده بود- از جمله سیاست همانندسازی هویت- مورد نقد قرار گرفت و به جای آن، هویت‌های خرد، محلی و فردی مورد تأکید و توجه قرار گرفت. در این دوره، تکثر، تنوع و حتی بی‌ثباتی و تغییرات مداوم هویت‌ها، مطلوب دانسته شد و هویت ملی و وحدت و ثبات و استمرار همراه با آن، نامطلوب پنداشته شد.

نکته: در دوره مدرن، مفهوم هویت ملی (واحد و مشترک)، وحدت و ثبات و استمرار آن مورد تأکید قرار می‌گیرد اما در دوره پسامدرن، تکثر، تنوع، متفاوت بودن و حتی بی‌ثباتی و تغییرات مداوم مطلوب دانسته می‌شود.

۲۵- «سیاست هویت» مربوط به کدام دوره است؟ پسامدرن

۲۶- در کدام دوره، هویت‌ها موضوعی برای نزاع و درگیری می‌شوند؟ پسامدرن

۲۷- «سیاست هویت» چیست؟ محصول دوران پسامدرن است و بر تفاوت‌ها و هویت‌های خاص و محلی تأکید می‌کند.

۲۸- از پیدایش «سیاست هویت» به چه امری تعبیر می‌کنند؟ باز شدن جعبه پاندورا

۲۹- منظور از «جعبه پاندورا» چیست؟

جعبه پاندورا در اساطیر یونانی جعبه‌ای حاوی تمام بلاهاست که به دست فردی به نام پاندورا گشوده می‌شود. بر اساس این افسانه یونانی، با باز شدن این جعبه ناگهان همه پلیدی‌ها و شرها، رها و به سوی زمین سرازیر شدند، بدی‌ها در جهان پراکنده شدند و با خوبی‌ها درآمیختند؛ به طوری که دیگر تشخیص و تمیز آنها از یکدیگر ممکن نبود و رنج و بیماری، پیری و مرگ، دروغ، دزدی و جنایت که قبل از آن وجود نداشت، گسترش یافت.

۳۰- در اواخر قرن بیستم، کدام مفهوم محور اصلی مباحثات فکری و سیاسی شد؟ هویت

۳۱- قبل از طرح مساله «هویت»، کدام مساله محور مباحثات فکری و سیاسی بود؟ قشربندی و کشمکش طبقاتی

.....صفحه ۸۶.....

۳۲- چرا در دوره پسامدرن تنازع و درگیری افزایش می‌یابد؟

در دوره پسامدرن، هویت از منظر گروه‌های اجتماعی مختلف و توسط آنها، تعریف می‌شود. در این دوره، افراد، مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را بر اساس علاقه‌های فرهنگی و هویتی خود پی می‌گیرند، علاوه بر ثروت و قدرت، هویت و دانش نیز کانون نزاع و کشمکش می‌شوند. در همه این عرصه‌ها، سیاست هویت ایجاد می‌شود و تنازع و درگیری افزایش می‌یابد.

۳۳- کانون نزاع و کشمکش در دوران پست مدرن شامل کدام حوزه‌هاست؟

علاوه بر ثروت و قدرت، هویت و دانش نیز کانون نزاع و کشمکش می‌شوند.

۳۴- در دوره پسامدرن، افراد، مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را بر اساس کدام عامل پی می‌گیرند؟

علاقه‌های فرهنگی و هویتی خود

۳۵- امروزه جهانی شدن و توسعه ارتباطات چه تاثیری بر مساله «هویت» گذاشته است؟

الف) زمینه شکل‌گیری جهانی بدون مرز را فراهم کرده است که در آن، در هم آمیختن فرهنگ‌ها موجب می‌شود که فرهنگ‌ها دیگر کاملاً خالص و ثابت نباشند و هویت‌ها به شدت دستخوش تغییر شوند.

ب) بسیاری از جوامع و گروه‌ها، به دفاع از خود برخاسته‌اند و با ساختن هویتی خاص برای خود یا بازگشت به هویت واقعی خویش، در برابر هویتی که فرایند جهانی شدن به آنها تحمیل می‌کند، مقاومت می‌کنند و خواهان رهایی از این هویت تحمیلی هستند.

۳۶- نمونه‌هایی از اعتراض‌ها و مقاومت‌ها نسبت به هویتی که فرایند جهانی شدن بر جوامع تحمیل می‌کند، نام ببرید. جنبش‌های سبک زندگی، زنان، آفریقایی-آمریکایی‌ها، آسیایی‌تبارها، جوانان، اقلیت‌های قومی، مذهبی و جنبش زیست‌محیطی نمونه‌هایی از این اعتراض‌ها و مقاومت‌ها هستند.

۳۷- در دوران اخیر (پسامدرن)، کدام مدل به جای مدل همانندسازی، مطرح شد؟ مدل تکثرگرا

۳۸- مدل «تکثرگرا» را توضیح دهید.

در مدل تکثرگرا، تفاوت‌های موجود میان گروه‌های قومی و زبانی حفظ و حتی تشدید می‌گردد. البته در این الگو، همچنان وجود یک ساختار مشترک سیاسی و اقتصادی ضروری دانسته می‌شود؛ که گروه‌های مختلف را به یکدیگر پیوند دهد.

بخوانیم و بدانیم صفحه ۸۶

۳۹- ابعاد مدل تکثرگرا را نام ببرید. فرهنگی-سیاسی-اجتماعی

۴۰- در بعد فرهنگی مدل تکثرگرا، چه مفاهیمی مورد تأکید قرار می‌گیرد؟

بعد فرهنگی هویت و تمایزات زبانی، قومی، مذهبی و...

۴۱- در بعد سیاسی مدل تکثرگرا، چه مفاهیمی مورد تأکید قرار می‌گیرد؟

به بعد سیاسی هویت توجه می‌شود و بر آزادی‌های اجتماعی اقوام و گروه‌های مختلف، و فرصت سهیم شدن آنها در قدرت سیاسی تأکید می‌شود و یا راهکارهای مسالمت‌آمیز برای حل منازعات گروهی و قومی ارائه می‌گردد.

۴۲- در بعد اجتماعی مدل تکثرگرا، چه مفاهیمی مورد تأکید قرار می‌گیرد؟

گسترش برابری و رفع تبعیض‌های قومی و گروهی در بعد اجتماعی هویت مورد توجه قرار می‌گیرد.

.....صفحه ۸۷.....

۴۳- سیاست هویت می‌تواند دو چهره پیدا کند، هر یک را توضیح دهید.

الف) یا به صورت افراطی بر تفاوت‌ها و گوناگونی‌ها تأکید می‌کند و سبب چندپارگی سیاسی و فرهنگی درون جوامع می‌شود.

ب) یا گروه‌های به حاشیه رانده شده را به رسمیت می‌شناسد و از آنان حمایت می‌کند.

تعارف هویت‌ها: وحدت و کثرت هویت‌ها

۴۴- در مقابل دو الگوی همانندسازی و تکثرگرا کدام الگو قرار دارد؟ الگوی تعارف

۴۵- عبارت «شناخت متقابل هویت‌ها» به کدام الگوی هویتی اشاره دارد؟ الگوی تعارف

۴۶- شناخت متقابل افراد و جوامع از یکدیگر چه کارکردی دارد؟

شناخت متقابل افراد و جوامع از یکدیگر، هم به آنها کمک می‌کند که تفاوت‌های همدیگر را درک کنند و به این تفاوت‌ها احترام بگذارند و هم اشتراکاتی را ایجاد می‌کند که به بهتر شدن روابطشان منجر می‌شود.

۴۷- «تعارف» به چه معناست؟ به معنای شناخت متقابل است.

۴۸- کدام الگو در مقابل الگوی «تنازع» قرار می‌گیرد؟ الگوی تعارف

۴۹- کدام الگوی هویتی مد نظر قرآن قرار دارد؟ الگوی تعارف

۵۰- آیه «أَنَا خَلَقْنَاكَ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكَ شِعْبًا مِّنْ أَسْبَابٍ لِّتَعَارَفُوا» به کدام الگو در هویت اشاره دارد؟ الگوی تعارف

۵۱- بر مبنای آیه « اَنَا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا » دیدگاه قرآن در ارتباط با مفهوم «تعارف» بیان کنید. شما را به صورت تیره ها و قبيله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید و تأکید می‌کند که هیچ کدام از این ویژگی‌ها، ملاک برتر دانستن خود از دیگری نیست و فقط زندگی بر اساس تقوا معیار برتری، بزرگی و بزرگواری است.

..... صفحه ۸۸

۵۲- مفهوم آیه « و مِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَاللُّوَانِكُمْ إِنَّ ذَلِكَ لآيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ » را در ارتباط با الگوی «تعارف» شرح دهید.

الگوی مطلوب قرآنی، تکثر و تنوع زبانی و نژادی و قومی را، مانع وحدت و همدلی نمی‌داند. بلکه انسان‌ها را به منشأ وحدت رهنمون می‌شود.

۵۳- ویژگی‌های الگوی تعارف را بنویسید.

- تعارف به معنای شناخت متقابل است. این الگو در مقابل الگوی تنازع قرار دارد.

- الگوی مطلوب قرآن است.

- تفاوت‌ها (تیره‌ها و قبيله‌ها) را سبب شناسایی می‌داند.

- تفاوت‌ها ملاک برتری نیست، فقط زندگی بر اساس تقوا، معیار برتری و بزرگی است.

- تکثر و تنوع زبانی و نژادی و قومی را، مانع وحدت و همدلی نمی‌داند. بلکه انسان‌ها را به منشأ وحدت رهنمون می‌شود.

۵۴- علت رشد و شکوفایی جهان اسلام در قرن سوم و چهارم هجری چه بود؟

به دلیل پیروی از الگوی تعارف و احترامی بود که اقوام مختلف در جهان اسلام برای یکدیگر قائل بودند. برای جهان اسلام به هیچ وجه نگران‌کننده نبود که بزرگ‌ترین دانشمند صرف و نحو زبان عربی، یک ایرانی به نام «سیبویه» است و مهم‌ترین حکمای جهان اسلام فارابی و ابن سینا هستند.

۵۵- حدیث «مردم دشمن چیزی هستند که نمی‌شناسند» از کیست؟ در مورد مفهوم آن توضیح دهید.

امام علی (ع). انسان هنگامی که در تاریکی ناآگاهی به سر می‌برد، هر شبی را که از دور می‌بیند و هر آوازی را که می‌شنود، نشانه حیوانی درنده و خطرناک می‌پندارد. افراد معمولاً به دیگرانی که آنها را به درستی نمی‌شناسند، بدبین‌اند و از آنها دوری می‌کنند. از این رو، یکی از راه‌های ایجاد آشتی و صفا و اتحاد و دوستی در میان گروه‌ها و ملت‌ها، شناخت متقابل است.

۵۶- بر مبنای حدیث «مردم دشمن چیزی هستند که نمی‌شناسند»، حکومت چه وظیفه‌ای دارد؟

یکی از راه‌های ایجاد آشتی و صفا و اتحاد و دوستی در میان گروه‌ها و ملت‌ها، شناخت متقابل است. در این میان، حکومت می‌تواند با زمینه‌سازی برای شناخت مردم از یکدیگر در سطح محلی، ملی و منطقه‌ای، بسیاری از مشکلات را حل کند و امکان همدلی مردم با یکدیگر را فراهم آورد.

پاورقی صفحه ۸۸

۵۷- در کدام اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به حقوق اقوام و گروه‌های مختلف و اقلیت‌های دینی و

مذهبی توجه شده است؟ اصل ۱۲-۱۳-۱۴-۱۵

۵۸- نمونه‌هایی از حقوق حقوق اقوام و گروه‌های مختلف و اقلیت‌های دینی و مذهبی در قانون اساسی را ذکر

کنید. در اصل ۱۲، ۱۳، ۱۴، حقوق اقوام و گروه‌های مختلف و اقلیت‌های دینی و مذهبی، ایران را به رسمیت شناخته و آزادی آنها را در انجام مراسم دینی، تعلیم و تربیت و احوال شخصی (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) تضمین کرده است.

در اصل ۱۵ نیز استفاده از زبان‌های محلی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و همچنین تدریس ادبیات محلی در مدارس در کنار زبان رسمی فارسی مجاز شمرده شده است.

علوم اجتماعی و سیاست هویت

.....صفحه ۸۹.....

۵۹- جامعه‌شناسی انتقادی ریشه در کدام رویکرد دارد؟ رویکرد تفسیری
 ۶۰- آیا جامعه‌شناسی انتقادی، داوری ارزش‌ها را بیرون از دایره علم می‌داند؟ خیر. به دنبال ملاک‌هایی برای داوری علمی درباره ارزش‌ها و هنجارها است و نمی‌خواهد به این وضعیت تن دهد که داوری ارزش‌ها، بیرون از دایره علم صورت گیرد.

۶۱- چرا جامعه‌شناسی انتقادی نمی‌خواهد به این وضعیت تن دهد که داوری ارزش‌ها، بیرون از دایره علم صورت گیرد؟

زیرا در آن صورت سرنوشت ارزش‌ها به مناسبات قدرت و ثروت سپرده می‌شود و همواره ارزش‌های غالب در زندگی اجتماعی، ارزش‌های ثروتمندان و قدرتمندان خواهد بود. رویکرد انتقادی می‌خواهد ظرفیت افشاگری و رهایی بخشی را برای علوم اجتماعی نگه دارد و این نقش را در نقد روابط و مناسبات میان افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها می‌بیند و انتظار دارد علوم اجتماعی با تشخیص و افشای سلطه در مناسبات انسانی، به رهایی انسان کمک کند.

۶۲- کدام رویکرد جامعه‌شناسی می‌خواهد ظرفیت افشاگری و رهایی بخشی را برای علوم اجتماعی نگه دارد؟ جامعه‌شناسی انتقادی

۶۳- منظور رویکرد انتقادی از ظرفیت افشاگری و رهایی بخشی علوم اجتماعی چیست؟
 رویکرد انتقادی می‌خواهد ظرفیت افشاگری و رهایی بخشی را برای علوم اجتماعی نگه دارد و این نقش را در نقد روابط و مناسبات میان افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها می‌بیند و انتظار دارد علوم اجتماعی با تشخیص و افشای سلطه در مناسبات انسانی، به رهایی انسان کمک کند.

۶۴- دومین جریانی که از درون رویکرد تفسیری به وجود آمد، همان رویکرد پسامدرن با نگرش سیاست هویت چه دیدگاهی نسبت به ظرفیت افشاگری و رهایی بخشی علوم اجتماعی دارد؟

چنین کارکردی را برای علوم اجتماعی ناممکن می‌شمارد و راه رهایی انسان را نه از درون علم، که در بیرون علم جست‌وجو می‌کند و معتقد است خود علم با «درست و غلط دانستن» و «خوب و بد کردن امور» سلطه‌گری می‌کند. زیرا «خوب» را به معنای خوب بودن برخی افراد و گروه‌ها و «بد» را بد بودن برخی دیگر از آنان قلمداد می‌کند. از این منظر، علم چراغی نیست که تاریکی‌ها را روشن کند و موانع را از پیش پای انسان بردارد. آنچه تا امروز به نام علم و دانش جهان شمول مطرح بود صرفاً ابزار عده‌ای برای سرکوب عده دیگری بود. سرگذشت دانش همانند سرگذشت قدرت و ثروت، تاریخ سرکوب انسان بوده است.

۶۵- دومین جریانی که از درون رویکرد تفسیری به وجود آمد، همان رویکرد پسامدرن با نگرش سیاست هویت، مفهوم سرکوب را چگونه توضیح می‌دهد؟

آنچه تا امروز به نام علم و دانش جهان شمول مطرح بود صرفاً ابزار عده‌ای برای سرکوب عده دیگری بود. سرگذشت دانش همانند سرگذشت قدرت و ثروت، تاریخ سرکوب انسان بوده است. بشر همواره به سرکوبی که از طریق قدرت و ثروت صورت می‌گرفت حساس بود و اکنون متوجه سرکوبی است که به وسیله دانش اعمال می‌شود و دیگر به آن تن نمی‌دهد.

.....صفحه ۹۰.....

۶۶- دومین جریانی که از درون رویکرد تفسیری به وجود آمد همان رویکرد پسامدرن با نگرش سیاست هویت، چه هشداری به جامعه‌شناسان می‌دهند؟

شما «اشیاء» و «ابزار» را بررسی نمی‌کنید. شما اشخاص، جوامع و فرهنگ‌ها را مطالعه می‌کنید که هویت دارند؛ شما در مورد هویت‌ها و ارزش‌ها سخن می‌گویید و در حال قضاوت و تغییر آنها هستید. شما همواره درگیر سیاست هویت هستید و پیوسته برخی را تحسین و برخی دیگر را تحقیر می‌کنید. شما از چشم فرهنگی و هویتی به فرهنگ‌ها و هویت‌ها می‌نگرید

نه از منظری جهان شمول که به همه هویت‌ها و فرهنگ‌ها با یک چشم نگاه می‌کند. شما همواره مشغول پیش بردن برخی فرهنگ‌ها و هویت‌ها و پس راندن برخی دیگر هستید.

۶۷- چرا نظریه‌های فمینیستی معاصر، نظریه آفریقایی تبار، نظریه آمریکایی بومی و ... در علوم اجتماعی امروز پدید آمد؟ (از نگاه پسامدرن) هر نظریه‌ای درون فرهنگ و تاریخ خود تولید می‌شود و هر فرهنگ و هویتی می‌تواند نظریه‌های متناسب با خود را تولید کند. از این رو هیچ فرهنگ و هویتی نمی‌پسندد که موضوع نظریه‌هایی باشد که در زمینه فرهنگی و تاریخی دیگری شکل گرفته‌اند. هر گروه، جامعه و فرهنگی می‌خواهد از چشم خودش به خود بنگرد و نه از چشم دیگران. پیدایش نظریه فمینیستی معاصر، نظریه آفریقایی تبار، نظریه آمریکایی بومی و ... در علوم اجتماعی امروز، نتیجه چنین مطالبه و درخواستی‌اند.

۶۸- مطالبه و درخواست نظریه‌های فمینیستی معاصر، نظریه آفریقایی تبار، نظریه آمریکایی بومی و ... چیست؟ این گروه‌ها می‌گویند آنچه تا امروز به اسم علوم اجتماعی به مطالعه گروه‌ها، جوامع و فرهنگ‌ها می‌پرداخت، دانشی جهان شمول نبود بلکه روایت آن چیزی بود که مردان سفیدپوست اروپایی می‌پنداشتند و هویت زنان، رنگین پوستان و غیراروپاییان را نادیده می‌گرفت.

۶۹- این دیدگاه که « هر فرهنگ و هویتی می‌تواند نظریه‌های متناسب با خود را تولید کند » (مانند نظریه‌های فمینیستی و ...) چگونه قابل نقد است؟

به حاشیه راندن و حذف هویت‌های انسانی و فرهنگی ناپسند و مخالفت با این امر ناپسند و مبارزه با آن، ارزشمند است. اما این سکه روی دیگری هم دارد. گاهی تأکید بر تنوع و تکثر هویت‌ها و اصالت بخشیدن به آن به معنای انکار اشتراک و وحدت انسان‌هاست و فرصت گفت‌وگو و معارفه انسان‌ها و فرهنگ‌ها را از بین می‌برد.

۷۰- چرا دومین جریانی که از درون رویکرد تفسیری به وجود آمد (همان رویکرد پسامدرن با نگرش سیاست هویت) نمی‌تواند قابل قبول باشد؟

زیرا اگر ادعا شود دانش، تماماً محصول شرایط اجتماعی و فرهنگی است و جوامع و فرهنگ‌ها نیز متفاوت‌اند - تازه درون هر جامعه‌ای گروه‌های مختلف وجود دارند و درون هر گروهی افراد مختلف وجود دارند - و هر گروه، جامعه و فرهنگی نیز دانش خاص خود را تولید می‌کند؛ چگونه می‌توان گفت که دانش و شناختی، بهتر از شناخت دیگری است؟ چگونه می‌توان میان شناخت‌های مختلف داوری کرد و شناخت صحیح را تشخیص داد. می‌بینید که پایبندی کامل به این رویکرد، امکان شناخت واقعی را از انسان‌ها می‌گیرد و قطعاً رویکردی که اساس دانش را انکار می‌کند نمی‌تواند قابل قبول باشد.

پاسخ سوالات متن درس هشتم

❖ مقایسه کنید صفحه ۸۷

نام مدل	منازعات هویتی در این مدل	راه حل مدل برای حل منازعات
همانند سازی	در این مدل، یکسان سازی هویت‌ها وجود دارد و بر پذیرش هویت گروه مسلط تاکید می‌شود. در نتیجه، خرده فرهنگ‌ها برای حفظ هویت خود با هویت گروه مسلط، منازعه می‌کنند.	در نظام آموزشی و رسانه‌ها، فقط هویت گروه مسلط معرفی می‌شود تا هویت سایر خرده فرهنگ‌ها کم‌رنگ و ضعیف شود. در برخی مواقع نیز از روش‌های خشونت‌آمیز برای حل منازعه استفاده می‌کنند.
تکثرگرا	در این مدل، تنوع و تکثر هویت‌ها مورد پذیرش است. در نتیجه منازعات بین خرده فرهنگ‌های متفاوت رخ می‌دهد. هر یک از این خرده فرهنگ‌ها در تلاش برای گسترش فرهنگ خود و کسب منافع بیشتر با دیگر خرده فرهنگ‌ها دچار منازعه می‌شوند. این امر ممکن است باعث چند پارگی فرهنگی شود.	در نظام آموزشی و رسانه‌ها وجود تکثر و تنوع فرهنگی را به عنوان یک اصل مطلوب در جامعه ارایه می‌کنند. ساختار سیاسی و قانونی را بر مبنای مدل تکثر طراحی می‌کنند. از نظام سیاسی برای حفظ منافع هر یک از خرده فرهنگ‌ها در برابر دیگران بهره می‌گیرند.

❖ بخوانید و نظر دهید صفحه ۸۹

«بی تعارف» در فرهنگ روزمره ایرانی به معنای صریح بودن است. با توجه به معنای لغوی «تعارف» (شناخت متقابل)، به کار بردن واژه «بی تعارف» به معنای عدم شناخت متقابل نیست بلکه کنار گذاشتن برخی محدودیت‌های آداب معاشرت جهت شناخت بیشتر است.

❖ مقایسه کنید صفحه ۹۱

انتقادی	تفسیری	تبیینی	نوع معیار
کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن	کنش‌های اجتماعی و معنای آنها	پدیده‌های اجتماعی همانند پدیده‌های طبیعی	چه چیزی را مطالعه می‌کند؟ (موضوع)
تفسیری، انتقادی و تجویزی	تفسیر (نگاه از درون به پدیده‌ها برای یافتن معنای آن‌ها)	حس و تجربه (نگاه از بیرون)	چگونه مطالعه می‌کند؟ (روش)
انتقاد از وضع موجود، تجویز وضع مطلوب و راه رسیدن به آن	معنابخشی و انسجام بخشی به زندگی اجتماعی	پیش‌بینی و کنترل پدیده‌های اجتماعی	چه هدفی را دنبال می‌کند؟ (هدف)

توضیح صفحات ۹۱-۸۹ به زبان کمی ساده تر

پس از مطالعه سه رویکرد تبیینی، تفسیری و انتقادی، در این قسمت، رویکرد پسامدرن (در قالب نگرش سیاست هویت) بررسی می‌شود. کتاب ابتدا در صفحه ۸۹ جامعه‌شناسی انتقادی را مرور می‌کند: این جامعه‌شناسی از دل رویکرد تفسیری پدید آمد (درس ۷) و معتقد است ارزش‌ها باید توسط علم بررسی شوند. یعنی داوری علمی ارزش‌ها را قبول دارد. حتی آن را مسئولیت اصلی علوم اجتماعی می‌داند (ظرفیت افشاگری و رهایی بخشی). در غیر این صورت، وضعیت ارزش‌های جامعه به تصمیم و عملکرد ثروتمندان و قدرتمندان جامعه وابسته می‌شود نه نگاه دانشمندان جامعه. جامعه‌شناسی انتقادی، داوری ارزش‌ها را در ارتباط با مفهوم سلطه در روابط انسان‌ها دنبال می‌کند. رویکرد تفسیری، باعث شد جریان دیگری نیز در جامعه‌شناسی پدید آید (رویکرد پسامدرن). در واقع رویکرد تفسیری به دلیل به حاشیه راندن جامعه‌شناسی سختگیر تبیینی، فضا را برای طرح رویکردهای دیگر فراهم کرد.

رویکرد پسامدرن به سیاست هویت باور دارد و طرفدار تفاوت‌ها و تنوع‌ها در بحث هویت و فرهنگ هاست. در دعوی بین علم و غیر علم و اینکه جای ارزش‌ها کجاست؟ نظر جامعه‌شناسی تبیینی، تفسیری و انتقادی متفاوت است که در دروس گذشته بررسی شد. رویکرد پسامدرن دیدگاه متفاوتی با این سه رویکرد جامعه‌شناسی (هر سه مدرن هستند) دارد. پسامدرن، اصل علم را به عنوان یک تکیه‌گاه مطمئن زیر سوال می‌برد. (رویکرد های دیگر تلاش می‌کردند تا تعریف درست تری از حدود علم ارائه دهند) اما پسامدرن معتقد است، خود علم، امری سرکوب‌گر است پس چطور می‌تواند انسان را رها کند؟ یا قابل تکیه باشد؟ سرکوب‌گری علم را این‌گونه اثبات می‌کند که وقتی علم از درست یا غلط بودن امور صحبت می‌کند (مثلا در مورد شکل خانواده یا سبک زندگی یا مصرف و...) باعث سلطه می‌شود. چون کسانی که متفاوت رفتار می‌کنند یعنی از رفتار درست مد نظر علم موجود، پیروی نمی‌کنند به حاشیه رانده می‌شوند و کسانی که طرفدار امر درست اند، قدرت بیشتری در جامعه خواهند داشت. در نگاه پسامدرن درست یا غلط بودن اساسا امری نسبی است و نوعی قضاوت کردن است. این قضاوت از کجا می‌آید؟ قدرت تعیین می‌کند که چه چیزی درست یا غلط باشد. یعنی بین قدرت و دانش در هر جامعه رابطه وجود دارد. مثلا در قرون وسطی، قدرت کلیسا تعیین‌کننده درست یا غلط بود و در دوره تجدد با تغییر قدرت، دانش نیز تغییر کرد (پس علم، معیار مطمئنی برای تکیه کردن یا حتی رها سازی انسان‌ها نیست و تلاش رویکرد های دیگر جامعه‌شناسی (مدرن‌ها) در این مورد بیهوده است. در صفحه ۹۰، نقد پسامدرن‌ها به جامعه‌شناسان مدرن (همان سه رویکرد) بیان می‌شود. پسا مدرن‌ها می‌گویند امکان نگاه جهان شمول (عام و فراگیر) به همه فرهنگ‌ها در علوم اجتماعی وجود ندارد. چون اولاً فرهنگ‌ها و هویت‌های متفاوتی در جهان وجود دارد. ثانياً جامعه‌شناس از نگاه یک فرهنگ به دیگر فرهنگ‌ها نگاه می‌کند. در نتیجه به قضاوت کردن می‌پردازد و برخی را درست و برخی را غلط ارزیابی می‌کند. درست‌ها تحسین می‌شوند و غلط‌ها به حاشیه رانده می‌شوند. در مقابل پسامدرن‌ها این نوع قضاوت را نمی‌پذیرند و به جای آن بر سیاست هویت تاکید می‌کنند یعنی پذیرش همه آن تفاوت‌ها نه درست و غلط دانستن آن‌ها.

این رویکرد باعث شد بسیاری از گروه‌ها مانند فمینیست‌ها، آفریقایی‌تبارها یا آمریکایی‌های بومی خواست و مطالبه جدیدی را مطرح کنند. این که نظریات علوم اجتماعی موجود، آن‌ها را نادیده گرفته است و از نگاه فرهنگ مرد سفید پوست اروپایی به فرهنگ و هویت آن‌ها نگاه می‌کند. در نتیجه زنان، غیر اروپایی‌ها، رنگین پوست‌ها و... به حاشیه رانده شده‌اند (چون متفاوت هستند). در حالی که هر فرهنگی می‌تواند دانشی متناسب با خود تولید کند. مثلا دانش اجتماعی مربوط به فرهنگ سیاه‌پوستان آفریقایی که متفاوت از دانش مربوط به فرهنگ مردان سفید پوست اروپایی است. طرح این موضوع، یک فایده داشت. این که هویت‌ها و فرهنگ‌های سرکوب شده مثل رنگین‌پوستان فرصت ابراز وجود پیدا می‌کنند اما مساله جدیدی را به وجود می‌آورد. اگر مطابق نظر پست مدرن‌ها، بگوییم هر فرهنگی، دانش متناسب با خود را تولید می‌کند (پس دانش تماما محصول شرایط اجتماعی و فرهنگی است)، امکان مقایسه و داوری دانش‌ها از بین می‌رود. چون مثلا آفریقایی‌تبارها دانش خود را از منظر فرهنگ خود درست می‌دانند و اروپایی‌ها نیز دانش خود را درست می‌دانند و پذیرش سیاست هویت باعث می‌شود، نتوانیم قضاوتی انجام دهیم. پس اساسا چیزی به نام شناخت واقعی وجود ندارد (اساسا حقیقتی وجود ندارد).

در پاراگراف آخر صفحه ۹۱، کتاب با طرح سوالات مختلف، رویکرد پسامدرن و طرح سیاست هویت در علوم اجتماعی را نقد می‌کند. سوال اساسی کتاب این است که چرا انسان در شناخت درست از غلط دچار مشکل شده است؟ چه راهی را اشتباه رفته است؟ این سوالات مقدمه‌ای برای طرح رویکرد علوم اجتماعی اسلامی در دروس بعد است.

ذکر این نکته مهم است که رویکردهای جامعه‌شناسی مطرح شده در کتاب، وضعیت خطی ندارند. بلکه تمام رویکردهای مختلف جامعه‌شناسی، همزمان فعال هستند و طرفدارانی دارند. گرچه نسبت به زمان پیدایش خود دچار تغییراتی شده‌اند. بنابراین، نظریات پسامدرن در حالی که مدرن‌ها را نقد می‌کنند، خودشان توسط رویکردهای مدرن جامعه‌شناسی مورد نقد قرار می‌گیرند. جریان علم از دل این مباحثات به جلو حرکت می‌کند.